

پایداری نظریه‌های ضمنی با داده‌های عینی و مجرد در رابطه‌های تابعی مثبت و منفی در میان دانشجویان روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه اصفهان

دکتر جهانشا محمدزاده*

استادیار دانشگاه ایلام

دکتر حمیدرضا عریضی

استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده

در رابطه بین دو متغیر روان‌شناختی معمولاً یک متغیر تابع متغیر دیگر قرار می‌گیرد، یعنی با تغییر یک متغیر به تبع آن در متغیر دیگر تفاوت ایجاد می‌شود. و به این رابطه ایجاد شده در ذهن افراد رابطه تابعی گفته می‌شود. روابط تابعی پدید آمده در ذهن افراد در مقابل تغییر مقاومت می‌کند و به این دلیل در روان‌شناسی اجتماعی به آن حفظ نظریه گفته می‌شود که منظور نظریه ضمنی است که مردم بین متغیرهای روان‌شناختی در ذهن خویش ایجاد می‌کنند. متغیرهای رابطه تابعی از طریق دو نوع داده‌های عینی یا مجرد به وجود می‌آید. هدف پژوهش حاضر بررسی موضوع حفظ بیشتر این رابطه‌ها با داده‌های عینی یا مجرد در ذهن افراد است. همچنین آیا این نظریه‌های ضمنی پس از گذر زمان حفظ می‌شود و اثر حفظ نظریه داده‌های اولیه عینی بیشتر است یا داده‌های ذهنی. پژوهش حاضر از نوع آزمایشی و طرح عاملی $2 \times 2 \times 2$ (رابطه مثبت در مقابل رابطه منفی، داده‌های مجرد در مقابل عینی، توصیف در مقابل فقدان توصیف) بود. در هر خانه طرح عاملی ۲۸ آزمودنی و کلاً ۲۲۴ نفر شرکت کردند که دانشجویان روان‌شناسی اجتماعی بودند. مداخله‌های آزمایشی از نوع قضاوت در پارۀ رابطه تابعی ایجاد شده در ذهن آزمودنیها از طریق یک داستان فرضی بود. تحلیل واریانس چند عاملی نشان داد که نظریه‌های ضمنی با داده‌های عینی بیشتر حفظ می‌شود ($P < 0/05$) و اثر حفظ نظریه وقتی بیشتر است که اثر اولیه داده‌ها عینی باشد ($P < 0/01$): یافته‌های پژوهش حاضر نشان می‌دهد که رابطه تابعی حتی اگر با داده‌های فرضی ایجاد شود در شناخت اجتماعی وجود دارد و این رابطه در ذهن افراد باقی می‌ماند و در مقابل تغییر مقاومت می‌کند.

کلید واژه‌ها

داده‌های مجرد، داده‌های عینی، روابط تابعی، روابط مثبت، روابط منفی

مقدمه

تمایل بنیادین انسان برای نگهداری عقاید، نگرشها، باورها و نظریه‌های اولیه آنها در روانشناسی اجتماعی بررسی و تحقیق شده است (کلیمن و هاو^۱، ۱۹۸۷، دیواین^۲ و همکاران، ۱۹۹۰، اسکوف و شرمن^۳، ۱۹۸۶، زوکرمن^۴ و همکاران، ۱۹۹۵). حتی حافظه نیز برای نگهداری رویدادها آنها را متناسب با نگرشهای قبلی دستکاری می‌کند (همیلتون^۵، ۲۰۰۵).

پژوهشها نشان داده‌اند که افراد باورها و عقاید و نظریه‌های خویش را پس از شکل گرفتن آنها حفظ می‌کنند، حتی اگر این باورها و نظریه‌ها نامناسب باشند (راس و اندرسون^۶، ۱۹۸۲، گوتتر و مارک^۷، ۲۰۰۷) این باورها و نگرشها و نظریه‌ها ممکن است درباره خود فرد (راس و همکاران، ۱۹۷۵ موری^۸ و همکاران، ۱۹۹۶، موری و همکاران، ۱۹۹۸، اندرسون، ۲۰۰۷) درباره فرد دیگر (راس و همکاران، ۱۹۷۵، چامبرز و ویندشتیل^۹، ۲۰۰۴) یا نظریه‌های اجتماعی درباره رابطه تابعی بین متغیرهای روانشناختی (اندرسون و همکاران ۱۹۸۰) باشد. رابطه تابعی عبارت از رابطه‌ای است که در آن یک متغیر تابع یک متغیر دیگر قلمداد می‌شود. مثلاً رابطه فاصله با دوستی است که گاهی در جهت مثبت (دوری، دوستی) و گاهی در جهت منفی (از دل برود هر آنکه از دیده برفت) این رابطه ایجاد شده است. یک چهارچوب برای این روابط تابعی بین متغیرهای روانشناختی اجتماعی، رابطه بین خطرپذیری و عملکرد در میان کارکنان آتش‌نشانی است که به عنوان یک چهارچوب ثابت در پژوهشها به کار رفته است (اندرسون و همکاران، ۱۹۸۰). این چهارچوب ثابت در پژوهشهای اندرسون (۱۹۸۳)، اندرسون و لیندزی^{۱۰} (۱۹۹۸) به کار رفته و از همین مثال استفاده کرده‌اند. یک رابطه تابعی دیگر رابطه بین برونگرایی و موفقیت تحصیلی (سانیتوسو^{۱۱} و همکاران، ۱۹۹۰) است. در پژوهش حاضر نیز

-
1. Klayman & ha
 2. Devine
 3. Skov & Sherman
 4. Zuckerman
 5. Hamilton
 6. Ross & Anderson
 7. Guenther & Mark
 8. Murray
 9. Chambers & windshiti
 10. Lindsay
 11. Sanitioso

از چهارچوب رابطه خطرپذیری کارکنان و عملکرد آنها استفاده شده است. می‌توان به کمک مثالهایی نشان داد که رابطه بین این دو متغیر یک رابطه منفی است یعنی اگر آتش‌نشان خطرپذیری بالایی داشته باشد عملکرد ضعیفی خواهد داشت. زیرا به دلیل خطرپذیری بالا، توجه او به متغیرهای محیطی کاهش یافته و این خود سبب خواهد شد که عملکرد او در حین کار بدتر شود، از طرف دیگر می‌توان به کمک مثالهایی رابطه را به صورت مثبت به آزمودنیها نشان داد، یعنی هرگاه آزمودنی خطرپذیری بالایی داشته باشد با سرعت بیشتری عمل می‌کند لذا عملکرد بهتری خواهد داشت. استفاده از مثالهای داستانی برای ایجاد رابطه در روان‌شناسی اجتماعی و بررسی قضاوت آزمودنیها در باره این مثالها بخش بااهمیتی از روان‌شناسی آزمایشگاهی است. این رابطه‌های تابعی در ذهن آزمودنیها می‌تواند به شکل یک نظریه ضمنی درآید (کوندا، ۱۳۸۴). پس از ایجاد این نظریه اولیه در ذهن آزمودنیها، این نظریه در ذهن آنها حفظ شده و حتی در برابر مثالها و نمونه‌های نقض کننده نظریه مقاومت می‌کنند که یکی از سوگیریهای شناخت اجتماعی در افراد است، که به سوگیری حفظ نظریه معروف است. اندرسون و کلام (۱۹۹۲) و اندرسون (۱۹۹۵) نشان دادند که سوگیری حفظ نظریه در زمان طولانی پایدار می‌ماند. حتی پس از اینکه آزمودنیها توجیه شدند مثالهای ارائه شده‌ای که بر مبنای آن نظریه تولید شده است ساختگی و خیالی است نظریه همچنان در ذهن آزمودنیها باقی می‌ماند. سؤال اساسی تحقیق این است که در صورت عینی بودن روابط تابعی بین متغیرهای روان‌شناسی اجتماعی دوام بیشتری دارد و سوگیری حفظ نظریه در آنها بیشتر است یا هنگامی که این داده‌ها به صورت مجرد و مثلاً به شکل داده‌های آماری به آزمودنیها عرضه شود. یعنی مثلاً به جای اینکه نمونه‌های عینی عملکرد بهتر و بدتر کارکنان آتش‌نشانی در مثالهایی با خطرپذیری بالا یا پایین به آنها عرضه شود و رابطه مثبت یا منفی بین دو متغیر به آزمودنیها القاء شود، عملکرد و خطرپذیری به شکل نمره و به صورت یافته‌های آماری به آنها عرضه شود. مثلاً گفته شود که یک آتش‌نشان در پرسشنامه‌ای که خطرپذیری او را می‌سنجد نمره بالایی به دست آورده و عملکرد مورد سنجش او بالا و پایین است و این داده‌ها برای تعدادی از کارکنان آتش‌نشانی به صورتی که یک رابطه مثبت یا منفی را به آزمودنیها القاء کند به آنها ارائه شود، در این صورت نیز نظریه‌ای اولیه بر مبنای داده‌ها در ذهن آنها ایجاد می‌شود.

اسلوشر^۱ و اندرسون (۱۹۹۶) نشان دادند که اگر مثال و مورد راجع به داده‌های عینی باشد تأثیری نیرومند و در ذهن افراد و میل به پایداری بیشتری دارد حتی اگر اطلاعات بعدی متناقض با آن باشد. آنها در یک مطالعه از آزمودنیها خواستند فردی را تماشا کنند، که در حال دادن امتحان بود. بعضی از مشاهده‌گران، آزمون دهنده‌ای را دیدند که در ابتدا خوب عمل می‌کرد و سپس همچنانکه آزمون ادامه می‌یافت عملکرد او بدتر می‌شد. سایر مشاهده‌گران آزمون دهنده‌ای را دیدند که در آغاز ضعیف عمل می‌کرد و سپس عملکرد او بهتر می‌شد. اگرچه هر دو آزمون دهنده در پایان یکسان عمل کردند (نمره یکسانی گرفتند)، آزمون دهنده‌ای که در ابتدا خوب عمل کرد باهوشتر از آزمون دهنده‌ای اندازه‌گیری شد، که در پایان عملکرد بهتری داشت. همچنین اش و زوکیر^۲ (۱۹۸۴) نیز در یک آزمایش نشان دادند که تأثیرات اولیه پایدار می‌ماند او در یک آزمایش فهرستی از خصوصیات مختلف منش انسانی را برای دو گروه الف و ب می‌خواند. جز در یک مورد، بقیه کلمه‌ها در هر دو فهرست یکسان است:

برای گروه الف: باهوش، چالاک، ظریف، خون گرم، مصمم، اهل عمل، محتاط

برای گروه ب: باهوش، چالاک، ظریف، سرد مزاج، مصمم، اهل عمل، محتاط

از اعضاء هر دو گروه خواسته شد پس از آنکه کلمه‌های مرتبط با گروه خود را شنیدند، سریعاً تأثیر ذهنی خود را که مناسب با شخص مفروض می‌دانستند در فهرست دیگری کلمه‌هایی را پیدا کنند، که دو به دو صفاتی را مانند (سخاوتمند و خسیس) در کنار هم ارائه می‌داد. تأثیرات ذهنی دو گروه اختلاف فاحشی داشتند. ذهنیت آنها که مشخصات فهرست گروه الف را شنیده بودند به طور کلی بسیار مثبت‌تر بود. در نظر اعضاء این گروه مشخص «خون گرم» سخاوتمندتر، خوشبخت‌تر، باطینت بهتر، خوشایندتر، اجتماعی‌تر، محبوب‌تر، انسانی‌تر، مردم‌دارتر و با تخیل قوی‌تر هم بود. وقتی به جای کلمه «خون گرم» کلمه «مؤدب» و به جای کلمه «سرد مزاج» «بدخو» گذاشته شد، تفاوت در ذهنیات دو گروه به مراتب کاهش یافت. به این ترتیب عبارات خون گرم و سرد مزاج در مقایسه با کلمه‌های مؤدب و بدخو در برداشت ما از شخص جای بس بزرگتری را اشغال می‌کند. اش در این آزمایش نشان داد اولاً

-
1. Slusher
 2. Asch & Zukier

اثر اولیه پایدار می‌ماند و ثانیاً بعضی از خصوصیات در حوزه ادراکی ما قرار می‌گیرند و تعیین کننده می‌شوند، بعضی دیگر در حاشیه جای می‌گیرد و فرعی تلقی می‌شوند و ثالثاً صفات رایج در میان مردم، ملموس و جنبه نسبتاً عینی و واضح دارند در حوزه ادراکی ما قرار می‌گیرند و صفات دیگر ما را تبیین و تشریح می‌کنند.

زیر بنای نظری این تحقیق بر چهار نظریه «عقلانیت محدود»^۱ سیمون^۲ (۱۹۵۷)، «استنباط انسانی»^۳ نیزبت^۴ و راس (۱۹۸۰)، «محافظه کاری عقلایی»^۵ فیلیپس و ادواردز^۶ (۱۹۶۶) و نظریه «ذهن احتمالاتی»^۷ گیگزرنز^۸ و همکاران، (۱۹۹۱) مبتنی است. بر مبنای سه نظریه (عقلانیت محدود، استنباط انسانی و محافظه کاری عقلایی) انسان نمی‌تواند در قضاوت‌های اجتماعی خویش از تحلیل‌های آماری و داده‌های مجرد به درستی استفاده کند. زیر بنای نظریه عقلانیت محدود و محافظه کاری عقلایی مشابه و بر این فرض است که حتی یک شاهد عینی نسبت به نمونه‌های بزرگ آماری در شناخت اجتماعی بیشتر تأثیر دارد. در نظریه عقلانیت محدود سیمون این فرض وجود دارد که آدمی در شناخت اجتماعی به دنبال بهینه‌سازی و آزمودن فرض‌های آماری نیست و کمتر به داده‌های مجرد توجه می‌کند. فیلیپس و ادواردز کاربرد نظریه سیمون را در استفاده از قانون بیز^۹ در آمار نشان داده‌اند. بر مبنای نظریه آنها هنگام کاربرد قانون بیز افراد معمولاً به شواهد عینی بیش از داده‌های مجرد توجه می‌کنند. نیزبت و راس نیز در نظریه استنباط آدمی به طور کلی نشان داده‌اند که افراد کمتر از استنباط‌های آماری استفاده می‌کنند و هنگام نیاز به کاربرد داده‌های مجرد، آن‌ها به طور نادرست از قوانین آماری استفاده می‌کنند با این حال نظریه ذهن احتمالاتی گیگزرنز، هوفراژ و کلاین بولتینگ در مقابل سه نظریه فوق‌تر قرار دارد. آنها اعتقاد دارند که آدمی می‌تواند در شناخت اجتماعی هنگامی که داده‌های مجرد به او عرضه می‌شود از قوانین آماری به درستی

-
1. Bounded rationality
 2. Simon
 3. Human inference
 4. Nisbette
 5. Rational conservatism
 6. Phillips & Edwards
 7. Mental Probability
 8. Gigerenzer
 9. Bayze

استفاده کند. در این پژوهش پایداری داده‌های عینی و مجرد در روابط تابعی مثبت و منفی در میان دانشجویان بررسی و فرضیه‌های زیر مطرح شده است:

فرضیه اول: پایداری داده‌های عینی (حفظ نظریه) تحت هر دو نوع رابطه مثبت و منفی بیشتر است. فرضیه دوم: پایداری داده‌های مجرد (حفظ نظریه) تحت هر دو نوع رابطه مثبت و منفی بیشتر است. فرضیه سوم: اثر اولیه داده‌های عینی نسبت به اثر اولیه داده‌های مجرد با گذشت زمان بیشتر می‌شود. فرضیه اول و دوم مربوط به جلسه اول مداخله آزمایشی و فرضیه سوم مربوط به جلسه دوم مداخله آزمایشی است.

روش:

طرح پژوهش: این تحقیق از نوع آزمایشی و طرح عاملی $2 \times 2 \times 2$ (رابطه مثبت در مقابل رابطه منفی، داده‌های مجرد در مقابل عینی، توصیف در مقابل فقدان توصیف) است. آزمودنیها: در هر خانه ۲۸ آزمودنی و کلاً ۲۲۴ آزمودنی شرکت کردند. آزمودنیها دانشجویان درس روان‌شناسی اجتماعی در دانشگاه اصفهان بودند. جامعه آماری کلیه دانشجویان روانشناسی دانشگاه اصفهان در سال ۸۶ بود. نمونه پژوهش از میان دانشجویانی انتخاب شد، که درس روانشناسی اجتماعی را در طی سالهای ۸۳ تا ۸۶ گذرانیده بودند و از میان آنها یک نمونه تصادفی حدود ۱۰٪ جمعیت نمونه گیری شد.

میانگین سن آنها $20/38$ و انحراف معیار $1/17$ بود. حجم نمونه به صورت مساوی از میان دختران و پسران انتخاب شد تا عامل جنسیت کنترل شود.

ابزار جمع آوری دادهها: ابزار جمع آوری دادهها در این پژوهش، آزمون RCC^1 بود. آزمون RCC یک آزمون ۲۵ سؤالی است که گزینه‌های خطر پذیری و محافظه کاری را شامل می‌شود. این آزمون را برای اولین بار اندرسون (۱۹۸۳) برای سنجش موقعیت‌های فرضی خطر پذیری و عملکرد کارکنان آتش نشانی به کار برده و در همه پژوهش‌ها از این چارچوب استفاده شده است. نمره‌های مثبت در این آزمون بیان کننده رابطه مثبت و نمره‌های منفی بیان کننده رابطه

1. Risky – Conservative Choice test

منفی است. هر سؤال ۴ نمره مثبت یا منفی دارد. دامنه نمره‌ها بین ۱۰۰+ تا ۱۰۰- است. پایایی کل آزمون ۰/۷۷ است. روایی ملاکی آزمون RCC با کسر درصد مورد انتظار پاسخهای مخاطره آمیز میان آتش نشانان ضعیف از آتش نشانان موفق سنجیده شد که حاصل آن یک نمره اختلافی بود که نشان دهنده تمیز این آزمون میان آتش نشانان با عملکرد ضعیف و موفق بود و نتیجه حاصل با عملکرد عینی و واقعی آتش نشانان رابطه معنی داری داشت.

رویه‌های اجراء پژوهش:

به دانشجویان درس روانشناسی اجتماعی گفته شد که آنها در پژوهشی شرکت می‌کنند که هدف آن یافتن این نکته است که آدمیان چگونه رابطه بین ویژگیهای شخصیتی و پیامدهای رفتاری آن را درمی‌یابند این کار از طریق ارائه داده‌ها به آزمودنیها انجام شد تا از طریق آن میزان رابطه بین متغیرها را حدس بزنند و تکلیف اصلی آنها در پژوهش بررسی داده‌های مربوط به نمونه و تلاش برای کشف رابطه زیربنایی بین ویژگیهای شخصیتی و پیامدهای رفتاری مرتبط با آن است. از آنها خواسته شد که سؤالهای خود را پرسند تا از این طریق موضوع بحث روشن شود. همان طور که مشخص است متغیر وابسته پژوهش، به آنها به صورت دیگری وانمود شد زیرا هدف پژوهش کشف رابطه بین دو متغیر نبود، بلکه فرض بر این بوده است که این رابطه در ذهن آزمودنیها شکل می‌گیرد، و هدف پژوهش میزان دوام و به عبارت دیگر سوگیری حفظ نظریه نزد آزمودنیهاست. به همین دلیل در پایان اجراء پژوهش آزمودنیها در رابطه با فریب در زمینه متغیر وابسته توجیه شدند. متغیر مداخله‌ای پژوهش حاضر شکل‌دهی نظریه اولیه در ذهن آزمودنیها بود. به همین دلیل به هر یک از آزمودنیها دفترچه‌ای داده شد که در آن تکالیف آزمودنیها در حین اجراء پژوهش مشخص شده بود، از آنها خواسته شد تا رابطه بین میزان خطرپذیری افراد را بررسی کنند که در یک دوره آموزش برای استخدام در شرکت آتش‌نشانی تعیین شده بود. این کار از طریق آزمونی انجام می‌شد، که آزمودنیها یکی از دو گزینه خطرپذیری و محافظه‌کاری را انتخاب می‌کردند (آزمون RCC). عملکرد واقعی این کارکنان در حین فعالیت آنها، در خاموش کردن آتش، مشخص می‌شد که یا در وظیفه شکست خورده یا موفق می‌شدند.

داده‌های مرتبط با ترجیح میزان خطرپذیری و پس از آن موفقیت در عملیات آتش‌نشانی

به آزمودنیها عرضه شد، به گونه‌ای که یا نوعی رابطه مثبت (خطرپذیری بالا- عملکرد بالا، خطرپذیری پایین- عملکرد پایین) یا نوعی رابطه منفی را القاء می‌کرد (خطرپذیری بالا- عملکرد پایین، خطرپذیری پایین- عملکرد بالا) پس از آن آزمودنیها باید به مقیاسی پاسخ می‌دادند که این نمونه‌های عرضه شده چه رابطه‌ای را القاء می‌کند. از این طریق واریسی اثر مداخله آزمایشی انجام شد.

مداخله آزمایشی:

آزمودنیها در تحت شرایط داده‌های عینی، نمونه‌های موردی را از دو نفر از آتش‌نشان‌ها دریافتند، که درجه‌بندی عملکرد کلی آنها و نیز پاسخ آنها به آزمون‌گزینش بین محافظه‌کاری و خطرپذیری را شامل بود که بر طبق پژوهش اندرسون و همکاران (۱۹۸۰) انجام شده بود. آزمودنیها تحت شرایط داده‌های مجرد، آزمون‌ی را دریافت می‌کردند که رابطه بین میزان خطرپذیری و موفقیت، به عنوان یک آتش نشان خلاصه شده بود. در این آزمون آزمودنی باید بین موقعیت محافظه‌کاری و خطرپذیری یکی را مشخص کند، که در آن موقعیتها به صورت فرضی توصیف شده است.

در یک موقعیت همین توصیه‌ها به شکل عینی در موقعیت داده‌های عینی به آزمودنیها عرضه شد. در موقعیت دیگر داده‌های خام مربوط به ۲۰ آتش‌نشان ارائه شد، که برخی موفق و برخی ناموفق بودند که میانگین عددی گزینه‌های محافظه‌کارانه و خطرپذیری را نشان می‌داد، که به آتش‌نشانهای موفق و ناموفق مربوط بود. با این حال داده‌های مجرد بنابر بر ماهیت عددی خود توصیفات غنی مربوط به داده‌های عینی را نداشتند. به این صورت داده‌های عینی در مقابل داده‌های مجرد قرار گرفتند. همچنین از آزمودنیها خواسته شد که توصیف کلی خود را از رابطه ادراک شده درباره داده‌های ارائه شده بنویسند در صورتی که نیمی از آزمودنیها این تکلیف را انجام می‌دادند. نیم دیگر آزمودنیها در موقعیت بدون توصیف قرار گرفتند یعنی از آنها خواسته نشد که چنین کاری انجام دهند. اندرسون و همکاران (۱۹۸۰) و همچنین مک فارلند^۱ و همکاران، (۲۰۰۷) نشان دادند که نوشتن توصیف می‌تواند به حفظ نظریه اولیه مساعدت کند. بنابراین، طرح اصلی آزمایش به شکل تعامل سه عامل (طرح عاملی ۲×۲×۲)

1. McFarland

درمی‌آید که اولی نوعی رابطه (مثبت در مقابل منفی) دومی، نوع داده‌ها (مجرد در مقابل عینی) و سومی، توصیف در مقابل فقدان توصیف بود. پس از آن آزمودنیها در باره ماهیت خیالی داده‌ها توجیه شدند. به آزمودنیها گفته شد که هم داده‌های مربوط به خطرپذیری و هم داده‌های مربوط به عملکرد شغلی غیر واقعی بوده است و محقق آنها را ساخته است. برای اطمینان از این موضوع که آزمودنیها رابطه القائی را، یک رابطه واقعی نپندارند به آنها گفته شد که انتخاب آنها در شرایط مختلف به صورت تصادفی انجام شده است و در دو گروه رابطه‌ها هم به شکل رابطه مثبت و هم به صورت رابطه منفی القاء شده است. از این طریق آزمودنیها در فعالیت کشف رابطه مقایسه شدند. از این طریق به آزمودنیها اطمینان داده می‌شد، که رابطه القاء شده به آنها کاملاً ساختگی است و می‌توانست رابطه‌ای در جهت مخالف باشد. پس از توجیه آزمودنیها در باره فریب به کار رفته در پژوهش سه سنجش در باره باورهای شخصی آزمودنیها راجع به رابطه حقیقی بین متغیرها انجام شد که توضیح آنها در بخش ابزار آمده است.

ابزار پژوهش: آزمون گزینش بین محافظه‌کاری و خطرپذیری (RCC): این آزمون (اندرسون و همکاران، ۱۹۸۰) یک آزمون ۲۵ سؤالی است که در آن هر سؤال یک موقعیت فرضی را توصیف می‌کند که در آن آتش‌نشان باید یا خطرپذیری کرده یا به صورتی محافظه‌کارانه عمل کند. این موقعیت‌ها القاء می‌شود و پاسخ آزمودنی به آن در حقیقت واری می‌مکند.

سنجش حفظ نظریه و باور در مورد جهت رابطه:

اولین اندازه‌گیری یک سنجش عمومی از اعتبار ملاکی آزمون خطرپذیری بود. آزمودنیها باید باور خود را در یک مقیاس لیکرتی با طیف هفت درجه‌ای بیان می‌کردند که عدد یک معادل باور و اعتقاد آنها به یک رابطه بسیار منفی بین دو متغیر بود، در حالیکه در طرف دیگر پیوستار عدد هفت باور آنها را به یک رابطه بسیار مثبت نشان می‌داد. در دومین و سومین سنجش، آزمودنیها باید تمایل خویش را به نظریه‌ای که در باره رابطه بین دو متغیر در ذهن داشتند، در باره پیش‌بینی ۵ مورد جدید از آتش‌نشانیها و نیز پاسخ به ۶ سؤال در باره آزمون گزینش بین محافظه‌کاری و خطرپذیری (آزمون RCC) بیان می‌کردند.

جدول ۱: داده‌های توصیفی مربوط به باورها پس از اجراء آزمون درباره ترجیح خطر و مؤفقیت آتش‌نشانی در گروه‌های رابطه مثبت (جلسه اول)

داده‌های عینی		داده‌های مجرد		متغیر وابسته
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱/۱۷	۵/۸۹	۱/۳۱	۵/۳۳	ادراک نوع رابطه
۰/۳۱	۲/۰۸	۱/۳۳	۰/۴۴	تعمیم به موارد جدید
۰/۳۵	۳/۲۸	۰/۴۱	۱۷/۲۶	پیش‌بینی پاسخهای مخاطره‌آمیز توسط آزمودنیها
۲۸		۲۸		تعداد

در جدول ۱ داده‌های گرایش مرکزی و پراکندگی (داده‌های توصیفی) در باره گروه‌های رابطه مثبت آورده شده است.

جدول ۲: داده‌های توصیفی مربوط به داده‌های مجرد و عینی در گروه‌های رابطه منفی (جلسه اول)

داده‌های عینی		داده‌های مجرد		متغیر وابسته
انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	
۱/۳۲	-۴/۷۲	۱/۴۳	-۴/۲۹	ادراک نوع رابطه
۰/۳۷	-۱/۳۸	۰/۲۹	-۰/۱۹	تعمیم به موارد جدید
۰/۳۴	-۲/۲۸	۰/۲۸	-۵/۹۱	پیش‌بینی پاسخهای مخاطره‌آمیز توسط آزمودنیها
۲۸		۲۸		تعداد

در جدول ۲ داده‌های گرایش مرکزی و پراکندگی (داده‌های توصیفی) در باره گروه‌های رابطه منفی آورده شده است.

بررسی تأثیر واری مداخله:

برای اطمینان از این که آیا آزمودنیها رابطه القائی (مثبت یا منفی) را درک کرده‌اند اثر مداخله بررسی شد. همان‌طور که در جدول ۳ دیده می‌شود. آزمودنیها تحت شرایط رابطه مثبت آن را به صورت معنی‌داری به عنوان رابطه مثبت و در شرایط رابطه منفی به صورت رابطه منفی درک کرده‌اند.

جدول ۳: واریسی اثر مداخله در دو گروه تحت دستورالعمل مثبت و منفی در جلسه اول

نوع دستورالعمل	میانگین	انحراف معیار	درجه آزادی	t
رابطه مثبت	۳۴/۷۱	۱۱/۲۲	۱۱۰	**۱۶/۷۲
رابطه منفی	-۲۶/۴۱	۹/۲۷	۱۱۰	**۱۳/۲۶

** = $P < 0.01$

نتایج تحلیل واریانس چند عاملی در جدول ۴ آورده شده است همان‌طور که دیده می‌شود نظریه‌ها با ارائه داده‌های عینی بیشتر حفظ می‌شود.

جدول ۴: بررسی حفظ نظریه تحت داده‌های مجرد و داده‌های عینی پس از جلسه اول

درجه آزادی	F اثر تعاملی نوع داده و حفظ نظریه	t حفظ نظریه	
		داده‌های مجرد	داده‌های عینی
۱۰۴	**۶/۹۴	**۲/۲۹	**۷/۲۶

** = $P < 0.05$

همان‌طور که دیده می‌شود نظریه‌های ضمنی شرکت کنندگان هم با ارائه داده‌های عینی و هم با ارائه داده‌های مجرد تحت هر دو رابطه مثبت و منفی بیشتر می‌شود. به این ترتیب فرضیه اول و دوم تأیید می‌شود.

برای پاسخ به این سؤال که آیا نظریه پس از طی زمان حفظ می‌شود و این که آیا اثر حفظ اولیه وقتی بیشتر است که داده‌های اولیه عینی یا مجرد است. جلسه دوم طراحی (طبق مطالب مطرح در بخش رویه اجرای پژوهش) و نتایج آن در جداول بعد آورده شده است.

یک هفته پس از اجراء این پژوهش، هنگامی که در جلسه بعدی دانشجویان درس روانشناسی اجتماعی که در این پژوهش شرکت کرده بودند به سؤال‌های محقق در باره نظریه پاسخ دادند، به آنها گفته شد که نیازی نیست که پاسخ آنها مشابه با پاسخ در جلسه قبل باشد و کاملاً مقبول است که همه جوابهای آنها حتی متفاوت باشد با این حال آنها اگر هنوز به دیدگاه قبلی خویش قائل هستند می‌توانند همان پاسخها را بدهند. به عنوان یک سنجش حافظه از آزمودنیها خواسته شد که پاسخ دهند که هفته پیش در سه نوع سنجش چه پاسخی را داده‌اند.

به این ترتیب دوباره آزمون متغیر وابسته با سه نوع سنجش در فاصله یک هفته انجام شد برای اینکه اثر محقق و نیز تمایل آزمودنیها به تأیید نظریه به حداقل برسد به آزمودنیها گفته شد، که پاسخ‌های آنها به صورت کاملاً محرمانه خواهد بود. در جدول ۵ شاخص‌های توصیفی داده‌های مجرد و عینی تحت شرایط مثبت و منفی با گذشت زمان (یک هفته بعد از اجرای اول) آورده شده است .

جدول ۵: داده‌های توصیفی مربوط به داده‌های مجرد و عینی در گروه‌های رابطه مثبت و منفی در

جلسه دوم

داده‌های عینی				داده‌های مجرد				متغیر وابسته
انحراف معیار		میانگین		انحراف معیار		میانگین		
گروه رابطه منفی	گروه رابطه مثبت	گروه رابطه منفی	گروه رابطه مثبت	گروه رابطه منفی	گروه رابطه مثبت	گروه رابطه منفی	گروه رابطه مثبت	
۱/۰۸	۰/۹۸	-۴/۱۸	۵/۹۲	۱/۲۴	۱/۳۶	-۴/۹۲	۴/۹۸	ادراک نوع رابطه
۰/۲۹	۰/۳۴	-۱/۷۴	۱/۹۶	۰/۲۶	۰/۲۷	-۰/۳۲	۰/۳۹	تعمیم به موارد جدید
۰/۳۷	۰/۴۱	-۴/۸۳	۲۷/۸۳	۰/۳۴	۰/۳۲	-۰/۸۲	۱۶/۹۴	پیش بینی پاسخهای مخاطره آمیز توسط آزمودنیها
		۲۴				۲۴		تعداد

همان‌طور که دیده می‌شود این شاخص‌ها با جداول ۱ و ۲ متفاوت است و نشان دهنده پایداری داده هاست.

برای پاسخ به این سؤال که آیا نظریه پس از طی زمان حفظ می‌شود (F حفظ نظریه) و آیا اثر حفظ نظریه وقتی بیشتر است که اثر اولیه داده‌ها عینی یا مجرد (F تعامل نوع داده و حفظ نظریه) است. تحلیل واریانس چند عاملی انجام شد. نتایج در جدول ۶ آمده است. نتایج به دست آمده در جلسه دوم نشان داد که نظریه حفظ می‌شود و تعاملی بین حفظ نظریه و داده وجود دارد یعنی داده‌های عینی به حفظ نظریه منجر می‌شود و تفاوت بین دو گروه معنی‌دار است. نکته مهم این است که با گذشت زمان از پایداری داده‌های مجرد کاسته می‌شود و همان‌طور که می‌بینیم این تفاوت در باره داده‌های مجرد معنی‌دار نیست.

جدول ۶: بررسی حفظ نظریه تحت داده‌های مجرد و داده‌های عینی پس از جلسه دوم

t حفظ نظریه مقایسه‌های پس از تجربه		F اثر تعاملی نوع داده و حفظ نظریه	F حفظ نظریه	درجه آزادی
داده‌های عینی	داده‌های مجرد			
**۷/۲۳	۱/۲۶	**۱۱/۲۲	**۱۸/۹۳	۸۸

** = $P < 0.01$

اثر اصلی نشان می‌دهد که نظریه پس از طی زمان حفظ می‌شود. ($F=18/93$ و $P<0.01$) و بین نوع داده‌ها و حفظ نظریه تعامل وجود دارد ($F=11/22$ و $P<0.01$) همچنین این تعامل مزیت داده‌های عینی را دارد، یعنی اثر حفظ نظریه وقتی بیشتر است که اثر اولیه داده‌ها عینی باشد ($t=7/23$ و $P<0.01$).

بحث و نتیجه‌گیری:

همان‌طور که دیدیم پژوهش حاضر نشان داد که اثر اولیه حتی پس از اجرا در نمونه‌های جدید پایدار می‌ماند. و این پایداری عقاید اولیه، به‌رغم اطلاعات متناقض بعدی حفظ می‌شود. بنابراین افراد اطلاعات جدید را به شیوه معنی‌دار بر اساس ساختارهای دانش قبلی مقوله‌بندی می‌کنند. این نگرشها و عقاید اولیه شکل گرفته در ذهن افراد به نظریه‌های ساده (خام) راجع به اشیاء، اشخاص و تعامل‌های اجتماعی میان افراد منجر می‌شود. نتایج این تحقیق با یافته‌های اندرسون (۱۹۹۸، مک‌فارلند و همکاران، ۲۰۰۷) همخوانی دارد که داده‌های اولیه به تأثیر پایداری در ذهن افراد منجر می‌شود به طوری که مردم در برابر تغییر عقاید شکل گرفته مقاومت می‌کنند. در تبیین نتایج می‌توان گفت که دلیل پایداری داده‌های اولیه این است که شخص در برابر این داده‌ها یک قضاوت سریع و عاجل می‌کند و به نظر می‌رسد که زمان کافی برای پالایش و اصلاح بیشتر نظریه وجود ندارد. همچنین فقدان انگیزش یا منابع شناختی برای پردازش (حداقل برای چند لحظه) را می‌توان به این عوامل اضافه کرد (اندرسون و همکاران، ۱۹۹۲).

همان‌طور که پژوهش حاضر نشان داد عقاید ایجاد شده در اذهان افراد، بر تفکر بعدی آنها مؤثر است حتی اگر آن عقیده غلط باشد و بعداً فرد بفهمد که آن اشتباه بوده است از آن دست بردار نیست. وقتی ذهن صاحب یک عقیده شد، کناره‌گیری از آن عقیده مشکل است. در مثال مربوط به آتش‌نشانهای خطرپذیر بسیار موفق، دلایل تعمق و تمرکز بر این الگوی خاص، باعث می‌شود که تنها این الگو در دسترس حافظه قرار گیرد. حتی اگر بفهمید که این الگو

نادرست است (آتش نشانها ضرورتاً خطرکن نیستند)، هنوز این تفسیر و توضیح در اختیار حافظه شماس و ممکن است در آینده ظاهر شود. بنابراین، در دسترس بودن یکی از علت‌های حفظ نظریه است، و عاملی بسیار مهم است (اندرسون و همکاران، ۱۹۸۵، اندرسون و اسکالر، ۱۹۸۶). دلیل دیگر این است که وقتی فرد نظریه‌ای دارد در جستجوی اطلاعات بیشتر برای تأیید نظریه خود است، بنابراین، سایر اطلاعات را به گونه‌ای سودار پردازش می‌کند و به این منجر می‌شود که همه چیز را در ارتباط با نظریه خود درست ببیند (لرد و همکاران، ۱۹۶۹). سوگیری تأیید، نتیجه نهایی یک دور باطل است. اندکی شواهد اولیه به شکل‌گیری یک عقیده کلی در شخص منجر می‌شود، که عقیده را قوت می‌بخشد. حتی اگر شاهد اولیه اعتبار خود را از دست دهد، شخص همچنان فکر می‌کند که شواهد بسیاری در حمایت از آن عقیده وجود دارد. بنابراین، وقتی ذهن به یک نتیجه رسید، به غفلت نسبت به اساس و پایه آن را تمایل دارد، حتی اگر آن عقیده غلط باشد. یکی از علت‌های دیگر حفظ نظریه این است که اغلب، مردم اطلاعات ورودی را تفسیر مجدد می‌کنند که به روشن شدن و وضوح تأثیر اولیه منجر می‌شود. سعی بر این است که اطلاعات بعدی که با عقیده اولیه ناهماهنگ است برای هماهنگی با نظریه اولیه شخص مجدداً تفسیر شود. اگر اطلاعات اولیه شما راجع به یک شخص این است که او دوست داشتنی است، ممکن است اطلاعات متناقض بعدی را نادیده بگیرید، که او یک فرد خشن، خشک و نابهنجار است - "او فقط یک روز بدی دارد". متوجه می‌شویم که طرحواره‌های شخصی افراد متأثر از اثر اولیه اطلاعات اجتماعی مرتبط با یکدیگر است. یافته مهم پژوهش حاضر این است که پایداری نظریه بیشتر در باره داده‌هایی بود که به صورت عینی به آزمودنیها ارائه شد. همان‌طور که می‌دانیم از دیدگاه آماری داده‌های مجرد نسبت به داده‌های عینی برتری دارند، زیرا از نمونه بزرگی به دست آمده‌اند، اما داده‌های عینی حاوی اطلاعات عینی، مانند سرگرمیهای هر شخص و پاسخهای او به آزمون ترجیح خطر و محتاط بودن است که بر غنای اطلاعات و داده‌های ارائه شده می‌افزاید. در دنیای واقعی، داده‌هایی از این نوع اعتبار ندارند و از نظر منطقی و تجربی تردیدپذیر هستند، اما این نوع داده‌ها به پایداری عقاید منجر می‌شوند. تحقیقات زیاد انجام شده در زمینه شناختی و اجتماعی (اندرسون و لیندزی، ۱۹۹۸، اندرسون، ۱۹۹۵، اندرسون و کلام^۱، ۱۹۹۲) نشان

می‌دهد که اطلاعات عینی و روشن نسبت به داده‌های خشک و انتزاعی بیشتر در حافظه پایدار می‌ماند. این اطلاعات ممکن است اساس منطقی محکمی نداشته باشند. تنها ویژگی این اطلاعات وضوح و روشنی آنهاست. این اطلاعات توانایی در دسترس بودن بیشتری را برای حافظه دارد، حتی اگر آنها از نظر منطقی و آماری اساس محکمی نداشته باشند (اندرسون و کلام، ۱۹۹۲). روابط علی مشابه تحقیق حاضر در باره آتش‌نشان‌ها را سانیوسو و همکاران، (۱۹۹۰)، انجام داده‌اند، که در باره عوامل برون‌گرائی در مقابل درون‌گرائی (در مقابل خطرپذیری تحقیق حاضر) در مقابل مؤفقیّت تحصیلی (در مقابل عملکرد آتش‌نشان‌ها در تحقیق حاضر) با داده‌های مجرد و عینی انجام شده و نتایج کاملاً مشابه با تحقیق حاضر بوده است. تفاوت دیگر بین اطلاعات انتزاعی و عینی این است که داده‌های عینی تبیین‌های ساده‌ای دارند. داده‌های عینی مانند داستانها جزئیات عینی دارند، که تبیین آنها را امکان‌پذیر می‌کند، که این تبیین‌ها به پایداری عقاید و حفظ آنها کمک می‌کند (کرال^۱ و اندرسون، ۱۹۹۶).

کاربردهای این تحقیق: همان‌طور که دیدیم نتایج این تحقیق نشان داد که اثر اولیه پایدار می‌ماند و لو اینکه این داده‌ها نامعتبر باشد. بنابراین، باید کاری کرد که از تشکیل این عقاید جلوگیری شود. وقتی داده‌ها مبهم باشد این سوگیری بیشتر اتفاق می‌افتد بنابراین، تا آنجا که ممکن است اطلاعات و داده‌ها باید روشن باشد. باید از فرد خواست که از زوایای مختلف موضوع را بررسی کند. اندرسون (۱۹۹۸) معتقد است که استدلال‌های جایگزین^۲ پایداری عقاید را کاهش می‌دهد. باید استدلال‌های متناقض با داده‌های جدید را مطرح کرد. اندرسون (۲۰۰۷) معتقد است که مؤفقیّت آمیزترین روش این است که از فرد خواسته شود که از مثالهای نقض^۳ استفاده کند. از کاربردهای مهم این پژوهش همچنین آگاهی دادن به مدیران سیاسی جامعه و نیز کلیه افرادی که به نحوی از تبلیغات استفاده می‌کنند. در پژوهش حاضر نشان داده شد که این افراد با ارائه آمار و داده‌های مجرد کمتر می‌توانند به پایداری اطلاعات در ذهن مخاطبان خویش اطمینان داشته باشند و به تدریج تأثیر ارائه آنها نسبت به زمان استفاده از داده‌های عینی کمتر می‌شود.

1. Krull
 2. Alternate causal reasoning
 3. Counterexplanation

منابع

- کوندا، ز، (۱۳۸۴). شناخت اجتماعی، ترجمه حسین کاویانی. تهران، مهر کاویان.
- Anderson, C.A, (1995). Implicit personality theories and empirical data: Biased assimilation, belief perseverance and change and covariation detection sensitivity, *Social Cognition*, 13, 25- 48.
- Anderson, C.A & Lindsay, J.J, (1998). The development, perseverance, and change of naive theories, *Social Cognition*, 16, 8-30.
- Anderson. C.A, New, B.L. & speer, J.R, (1985). Argument availability as a mediator of social theory perseverance, *Social Cognition*, 3, 235-249.
- Anderson. C.A. & Sechler, E.S, (1986). Effects of explanation and counter explanation on the development and use of social theories, *Journal of personality and social psychology*, 50, 24-34.
- Anderson, C.A, (1995). Implicit theories in broad perspective, *Psychological Inquiry*, 6, 286-321.
- Anderson, C.A & Kellam, K.L, (1992). Belief perseverance, biased assimilation, and covariation detection: The effects of hypothetical social theories and new data, *Personality and Social Psychology Bulletin*, 18, 555-565.
- Anderson, C.A, Lepper, Mark R & Ross, L, (1980). Perseverance of social theories: The role of explanation in the persistence of discredited information, *Journal of Personality and Social Psychology*, 39, 1037-1049.
- Anderson, C.A, (1983). Abstract and concrete data in. the Perseverance of social theories: when weak data lead to unshakable beliefs, *Journal of Experimental Social Psychology*, 19, 93-108.
- Anderson, C. A, (2007). *Belief perseverance*, Encyclopedia of social Psychology. Thousand Oaks, CA: Sage.
- Asch. S.E & Zukier. H, (1984). Thinking about persons, *Journal of Personality and Social Psychology*, 46, 1230-1240.
- Chambers, J. R & Windshittl. P. D, (2004). Biases in social comparative Judgments, *Psychological Bulletin*, (3). 813 – 838.
- Devine. P.G, Hirt, E.R & Gehrke, E.M, (1990). Diagnostic and confirmation strategies in trait hypothesis testing, *Journal of Personality and Social Psychology*, 58, 952-963.
- Gigerenzer, G, Hoffrage, U & Klein – Bolting. H, (1991). Probabilistic mental models: A Brunswikian theory of confidence, *Psychological Review*, 98 (4), 506-528.
- Guenther, C. L & Alicke. M. D, (2007). Self – enhancement and belief perseverance. *Journal of Experimental Social Psychology*, Vol 44, 706 – 712.
- Hamilton, D. L, (2005). *Social cognition*. Psychology Press.
- Krull, D.S & Anderson, C.A, (1996). The process of explanation, *Current Directions in psychological Science*, 6, 1-5.

- Klayman, J & Ha, Y, (1987). Confirmation, disconfirmation, and information in hypothesis testing, *Psychological Review*, 94, 211-228.
- Lord, C.G, Ross, L & Lepper, M.R, (1969). Biased assimilation and attitude polarization: The effects of prior theories on subsequently considered evidence, *Journal of personality and Social psychology*, 37,2098-2109.
- Murray, S.L, Holmes, J.G & Griffin, D.W, (1996). The benefits of positive illusions: Idealization and the construction of satisfaction in close relationships, *Journal of Personality and Social Psychology*, 70, 79-98.
- Murray, S.L, Holmes, J.G, Mac Donald, G, and Ellsworth. P.C, (1998). Love me? Love me not? When self doubts turns into relationship insecurities, *Journal of Personality and Social Psychology*, 75, 1459-1480.
- McFarland, C, Cheam. A & Buehler, R, (2007). The Perseverance effect in the debriefing paradigm: Replication and extension, *Journal of Experimental Social Psychology*, (43), 233 – 240.
- Nisbett, L, Ross. L, (1980). *Human inference: Strategies and shortcomings of judgment*, Prentice – Hall, Englewood cliffs, NJ.
- Phillips, L. D & Edwards, W, (1966). Conservatism in a symbol Probability inference task, *Journal of Experimental Psychology* 72, 346 – 354.
- Ross, L & Anderson, C, (1982). *Shortcomings in the attribution process: on the origins and maintenance of erroneous social assessments*. In D. Kahneman, P. Slovic, A. Tversky (Eds), *Judgment under uncertainty: Heuristic and biases*, New York, Cambridge University, Press.
- Ross, L, Lepper, M. R & Hubbard, M, (1975). Perseverance in self perception and social perception: Biased attributional processes in the debriefing paradigm, *Journal of Personality and social psychology*, 32, 880-892.
- Sedikides, C & Anderson, C. A, (1992). Causal explanations of defection: Aknowledge structure approach, *Personality and social psychology Bulletin*, 18, 420 – 429.
- Simon, H, (1956). *Models of man: Social and rationality*. New York: Willy.
- Skov, R.B & Sherman, S.J, (1986). Information gathering processes: Diagnosticity, hypothesis confirmatory strategies, and perceived hypothesis Confirmation, *Journal of Experimental Social Psychology*, 22. 93-121.
- Sanitioso, R, kunda, Z & Fong. G.T, (1990). Motivated recruitment of autobiographical memories, *Journal of Personality and Social Psychology*, 59. 229-241.
- Slusher, M.P & Anderson, C.A, (1996). Using causal persuasive argument to change beliefs and teach new information: The mediating role of explanation availability and evaluation bias in the acceptance of knowledge, *Journal of Educational psychology*, 88,110-122.
- Zuckerman, M, knee, C.R, Hodgins, H.S & kunitate, M, (1995). Hypothesis confirmation: The joint effect of positive test strategy and acquiescence response set, *Journal of Personality and Social Psychology*, 68, 52-60.

